

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Receiver of Goods for Trial (Akhidh bi'l-Sawm) and the Legal Enforcement of Liability in Islamic Jurisprudential Schools and Iranian Law

Hamid Vafaei¹, Hormoz Asadi koohbad^{*2}, Mehdi Zamani³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

3. Assistant Professor, Department of Arabic Literature, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

* Corresponding Author's Email: Asadi.Koohbad@gmail.com

ABSTRACT

The term Akhidh bi'l-Sawm refers to a person who receives a good from its owner for the purpose of inspection or trial with the intent of possibly purchasing it upon satisfaction. The primary legal issue concerning the Akhidh bi'l-Sawm is determining the type of liability incurred if the good is damaged or lost without negligence or misconduct. Within Imamiyyah jurisprudence, two primary views are presented. One group considers the possessor's hand (yad) as a trust-based possession (yad amaniyyah), thereby limiting liability to cases of misconduct or negligence, on the basis that the owner has granted conditional permission for possession. Conversely, another group holds that the yad is liability-based (yad damaniyyah), assigning absolute responsibility to the possessor. They rely on the legal maxim "Upon the hand is what it takes until it returns it" ('ala al-yad ma akhadat hatta tu'addih), indicating liability even in the absence of fault. This divergence stems from different interpretations of prophetic traditions and the extent of the owner's authorization. Other Islamic legal schools also present varied opinions regarding the liability of the Akhidh bi'l-Sawm. In the Maliki school, such possession is deemed unauthorized, and absolute liability is imposed. The Shafi'i and Hanbali schools similarly assign absolute liability, likening the possession to usurpation (ghasb). The Hanafi school includes liability for both the goods and their benefits, regardless of intent or negligence. Under Iranian law, the Civil Code does not categorize the Akhidh bi'l-Sawm as a trustee (amin), and his liability is typically contingent on either returning the goods intact or compensating for their value. Article 631 of the Civil Code restricts the instances qualifying as trusteeship, and the Akhidh bi'l-Sawm is not among them. The owner grants conditional permission, requiring either safe return of the item or payment of its value, thus placing the possessor's liability between limited and absolute. Ultimately, the concept of Akhidh bi'l-Sawm remains a jurisprudential and legal point of contention, significantly impacting contractual relationships and commercial dispute resolution. A precise understanding of this concept is essential for legal scholars and practitioners.

Keywords: *Akhidh bi'l-Sawm, liability, trust-based possession, liability-based possession, usurpation, trustee.*

How to cite: Vafaei, H., Asadi Koohbad, H., & Zamani, M. (2024). The Receiver of Goods for Trial (Akhidh bi'l-Sawm) and the Legal Enforcement of Liability in Islamic Jurisprudential Schools and Iranian Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 17-30.



تاریخ ارسال: ۲ تیر ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۱ مرداد ۱۴۰۳
 تاریخ پذیرش: ۱۵ مرداد ۱۴۰۳
 تاریخ چاپ: ۲۹ مرداد ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

آخذ بالسوم و ضمانت اجرای مسئولیت در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران

حمید وفائی^۱، هرمز اسدی کوهباد^{۲*}، مهدی زمانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

۳. استادیار، گروه ادبیات عرب، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Asadi.Koohbad@gmail.com

چکیده

آخذ بالسوم به فردی گفته می‌شود که کالایی را از مالک برای بررسی و آزمایش دریافت می‌کند تا در صورت رضایت، آن را خریداری کند. مسئله اصلی در مسئولیت آخذ بالسوم، تعیین نوع مسئولیت او در صورت تلف یا نقص کالا بدون تعدی یا تفریط است. در فقه امامیه دو دیدگاه وجود دارد: گروهی ید آخذ بالسوم را امانی می‌دانند که مسئولیت او محدود به تعدی یا تفریط است، زیرا مالک به او اذن تصرف داده است؛ گروه دیگر ید او را ضمانی و مسئولیت را مطلق می‌دانند و معتقدند طبق قاعده «علی الید ما اخذت حتی تودی» باید خسارت را جبران کند، حتی بدون تقصیر. این اختلاف ناشی از تفاوت در تفسیر حدیث و میزان اذن مالک است. در دیگر مذاهب اسلامی نیز نظرات متفاوتی درباره مسئولیت آخذ بالسوم وجود دارد. در مذهب مالکی، آخذ بالسوم به عنوان تصرف غیرمجاز شناخته شده و مسئولیت مطلق قائل‌اند. شافعی و حنبلی نیز مسئولیت مطلق را بر آخذ بالسوم بار می‌کنند و آن را نزدیک به غصب می‌دانند. در مذهب حنفی، مسئولیت شامل کالا و منافع آن است و مسئولیت بدون توجه به قصد یا تقصیر است. در حقوق ایران، قانون مدنی آخذ بالسوم را امانی نمی‌داند و مسئولیت او معمولاً مشروط به حفظ سلامت کالا یا پرداخت ارزش آن است. ماده ۶۳۱ قانون مدنی مصادیق امان را محدود کرده و آخذ بالسوم در این مصادیق نیست. مالک به آخذ بالسوم اذن مشروط می‌دهد که کالا را سالم بازگرداند یا ارزش آن را بپردازد، بنابراین مسئولیت او بین مسئولیت محدود و مطلق نوسان دارد. در نهایت، آخذ بالسوم مفهومی حقوقی و فقهی محل اختلاف است که تأثیر مهمی بر قراردادهای حل اختلافات تجاری دارد و شناخت دقیق آن برای حقوقدانان ضروری است.

کلیدواژگان: آخذ بالسوم، مسئولیت، ید امانی، ید ضمانی، غصب، امان

نحوه استناددهی: وفائی، حمید، اسدی کوهباد، هرمز، و زمانی، مهدی. (۱۴۰۳). آخذ بالسوم و ضمانت اجرای مسئولیت در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۱۷-۳۰.



طرف مقابل در معامله» به کار رفته است (Jafari, 2016).

آخذ بالسوم یکی از مفاهیم مهم در فقه اسلامی و حقوق معاملات است که به معنای قبول قیمت پیشنهادی طرف مقابل در معامله می‌باشد. این اصطلاح به کسی گفته می‌شود که مالی را از مالک یا فروشنده به منظور بررسی و پسندیدن می‌گیرد تا پس از آن معامله را انجام دهد یا رد کند. آخذ بالسوم در مباحث عقد بیع و سایر معاملات کاربرد فراوان دارد و نقش کلیدی در تعیین صحت و اعتبار قراردادها ایفا می‌کند.

همچنین آخذ بالسوم محدود به عقد بیع نیست و در سایر عقود مانند اجاره، معاوضه و حتی در مواردی مانند گرفتن مال به قصد تعیین مهر یا خلع نیز کاربرد دارد. در این موارد نیز قواعد مربوط به آخذ بالسوم و مسئولیت آن جاری است (Jafari, 2024).

۲. بررسی مسئولیت آخذ بالسوم در فقه مذاهب خمس

بررسی مسئولیت آخذ بالسوم در فقه مذاهب خمس (شیعه امامیه و چهار مذهب اهل سنت: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) نشان می‌دهد که دیدگاه‌های متفاوتی درباره نوع مسئولیت این شخص وجود دارد. آخذ بالسوم کسی است که مالی را از مالک به قصد بررسی و پسندیدن می‌گیرد تا در صورت رضایت معامله را انجام دهد. مسئله اصلی در فقه مذاهب خمس، تعیین نوع ید و مسئولیت آخذ بالسوم است؛ آیا ید او امانی است و مسئولیت او محدود به تعدی و تفریط است یا ید او ضمانی است و مسئول جبران خسارت حتی بدون تعدی و تفریط می‌باشد. فقه امامیه با استناد به قواعدی مانند ضمان ید، قاعده اتلاف، تسبیب و همچنین قاعده لاضرر، مسئولیت مدنی اخذ بالسوم را به طور روشن تبیین کرده است.

مسئولیت مدنی آخذ بالسوم در فقه امامیه (شیعه اثنی عشری)

آخذ بالسوم به فردی گفته می‌شود که کالایی را از مالک آن به منظور بررسی و آزمایش دریافت می‌کند تا پس از اطمینان از ویژگی‌ها و کیفیت کالا، اقدام به خرید آن نماید. این وضعیت در فقه اسلامی و حقوق ایران موضوع بحث و اختلاف نظرهای فراوانی است (Jafari Langeroudi, 2016, 2024).

مسئله اصلی در این زمینه، تعیین نوع مسئولیت آخذ بالسوم در قبال حفظ و مراقبت از مال مورد معامله است، به‌ویژه در صورت تلف یا نقص کالا بدون تعدی یا تفریط (Ghasemzadeh & Khosravi Farsani, 2006).

۶۳۱ قانون مدنی که مصادیق امین را محدود کرده، آخذ بالسوم معمولاً به عنوان امین شناخته نمی‌شود و مسئولیت او مشروط به حفظ سلامت کالا یا پرداخت عوض آن است. بنابراین، در حقوق ایران نیز مسئولیت آخذ بالسوم مورد بحث و بررسی است و نظریه‌های مختلفی در این زمینه ارائه شده است (Jafari, 2024).

به طور خلاصه، مسئولیت آخذ بالسوم در فقه مذاهب خمس و حقوق ایران موضوعی پیچیده و مورد اختلاف است که بین فرض امین بودن و مسئولیت محدود در مقابل فرض ید ضمانی و مسئولیت مطلق نوسان دارد. این اختلاف ناشی از تفاوت در تفسیر قواعد فقهی و مقررات حقوقی است که هر کدام استدلال‌های خاص خود را دارند و در نهایت بر نحوه اجرای ضمانت اجرای حقوقی و فقهی تأثیرگذار است (Ghasemzadeh & Khosravi Farsani, 2006).

۱. تعریف و ماهیت آخذ بالسوم

کلمه «آخذ» از ریشه «أخذ» به معنای گرفتن و قبول کردن است و «سوم» به معنای قیمت یا بها می‌باشد. در متون فقهی و حقوقی اسلامی، ترکیب «آخذ بالسوم» به معنای «قبول قیمت پیشنهادی

مفهوم اخذ بالسوم در فقه امامیه

اخذ بالسوم به معنای تصرف مال غیر بدون اذن یا عقد صحیح است؛ خواه با قصد تملک باشد یا بدون آن. این عمل در بسیاری از متون فقهی در زمره غصب یا حداقل مشابه آن شمرده شده است. غاصبانه بودن تصرف در چنین مواردی، مستند به قصد و رفتار متصرف نیست، بلکه به فقدان اذن و مشروعیت تصرف برمیگردد (Shahid Thani, 1989).

مبنای ضمان در اخذ بالسوم

قاعده «علی الید ما أخذت حتی تودی»

این قاعده، از مشهورترین قواعد فقهی در باب ضمان است و بیان میدارد: «هر دستی که بر مالی قرار گیرد، ضامن بازگرداندن آن است». بر اساس این قاعده، صرف استیلا و تصرف بر مال غیر، موجب ضمان است، حتی اگر بدون تعدی یا تقصیر باشد.

قاعده اتلاف

«من أتلف مال الغير فهو له ضامن»؛ هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است، خواه مباشرتاً تلف کند یا سبب آن باشد. در اخذ بالسوم، اگر تصرف موجب تلف مال شود، شخص بدون تردید ضامن خواهد بود (Khansari, 1984).

قاعده تسبیب

اگر اخذکننده بالسوم سبب تلف مال شود، و مباشرت از سوی غیر رخ دهد، باز هم بر اساس قاعده تسبیب، وی ضامن خواهد بود؛ زیرا سبب اقوی از مباشر است در صورتی که مباشر جاهل یا مجبور باشد (Imam Khomeini, 1987).

مسئولیت نسبت به منافع

یکی از مباحث مهم در اخذ بالسوم، ضمان نسبت به منافع فوت شده است. اگر اخذ بالسوم باعث شود که مالک از منافع مال محروم گردد، بسیاری از فقها معتقدند که اخذکننده ضامن منافع است، خواه استفاده کرده باشد یا خیر (Emami, 1996). این دیدگاه

اخذ بالسوم، به عنوان یکی از اقسام تصرفات غیرمجاز در اموال غیر، در فقه امامیه جایگاه خاصی دارد. این عمل معمولاً بدون رضایت مالک و بدون پرداخت عوض، صورت میگیرد و از مصادیق بارز تجاوز به حقوق مالکانه است. فقه امامیه با استناد به قواعدی مانند ضمان ید، قاعده اتلاف، تسبیب و همچنین قاعده لاضرر، مسئولیت مدنی اخذ بالسوم را به طور روشن تبیین کرده است.

مسئولیت مدنی اخذ بالسوم به معنای مسئولیت فردی است که کالایی را از مالک برای بررسی و پسندیدن دریافت می کند تا در صورت رضایت آن را خریداری کند. مسئله اصلی این است که اگر کالا بدون تعدی یا تفریط در دست اخذ بالسوم تلف، ناقص یا معیوب شود، آیا او مسئول جبران خسارت است یا خیر.

در فقه اسلامی و حقوق ایران، این موضوع محل اختلاف است. برخی فقها و حقوقدانان معتقدند که اخذ بالسوم ید امانی دارد، یعنی مسئولیت او محدود به مواردی است که با تعدی یا تفریط باعث خسارت شده باشد و در غیر این صورت ضامن نیست. گروهی دیگر بر اساس قاعده «علی الید ما أخذت حتی تودی» معتقدند که ید اخذ بالسوم ضمانی است و او مسئول جبران خسارت حتی بدون تعدی یا تفریط است.

این اختلاف دیدگاهها بر نحوه اعمال ضمانت اجراهای حقوقی و فقهی تأثیرگذار است و اهمیت زیادی در حفظ حقوق مالک و تعیین حدود مسئولیت اخذ بالسوم دارد (Ghasemzadeh & Khosravi Farsani, 2006).

در فقه امامیه، اخذ بالسوم به عنوان یک عنوان مستقل ضمانی شناخته می شود. بر اساس قاعده «علی الید ما أخذت حتی تودی»، اخذ بالسوم مسئول حفظ مال است و اگر مال بدون تعدی و تفریط تلف شود، باز هم مسئول جبران خسارت است مگر اینکه قوه قاهره را اثبات کند. این دیدگاه در آثار فقهی مانند «شرایع الاسلام» محقق حلی و در تحقیقات معاصر مورد تأکید قرار گرفته است.

فقه‌های مالکی میان غصب (غلبه با قهر) و اخذ بالسوم (تصرف بدون قهر) تفکیک قائلانند، اما هر دو را موجب ضمان میدانند. تفاوت در قصد و شکل تصرف، در تحقق ضمان تأثیری ندارد؛ زیرا ملاک، نبود اذن مالک و تحقق استیلاء بر مال غیر است (Al-Bahuti, 1993).

ضمان منافع

در فقه مالکی، چنانچه اخذ بالسوم موجب محرومیت مالک از منافع مال گردد، اخذکننده ضامن منافع نیز خواهد بود، حتی اگر از منافع استفاده نکرده باشد. این دیدگاه بر مبنای حفظ کامل حق مالک است

علم و جهل در تحقق ضمان

در فقه مالکی، ضمان تابع نتیجه است نه نیت؛ به این معنا که حتی اگر شخص اخذکننده بالسوم جاهل به حرمت فعل خویش باشد یا گمان کند اذن دارد، باز هم ضامن است، مگر اینکه اذن عرفی قابل اثبات باشد.

مثل و قیمت

در صورتی که عین مال تلف شود، اخذکننده بالسوم در اموال مثلی، ملزم به مثل و در اموال قیمی، ملزم به پرداخت قیمت یوم التلف است. این قاعده از اصول مسلم نزد فقه‌های مالکی است و ضمان را بر پایه جبران عادلانه استوار می‌سازد.

در نتیجه اینکه فقه مالکی با استناد به اصول مسلم فقهی، مسئولیت مدنی ناشی از اخذ بالسوم را کاملاً پذیرفته و اصول اتلاف و تسبیب، پایه‌های اصلی ضمان در این مذهب هستند. جهل، نیت، و « ید » است. قاعده عدم سوءقصد، تأثیری در رفع مسئولیت ندارند. همچنین، ضمان منافع، از جمله ویژگی‌های مهم نظام مسئولیت در فقه مالکی است.

۴. مسئولیت مدنی اخذ بالسوم در فقه شافعی

در منابع فقه شافعی، هر گونه استیلاء بر مال غیر، بدون اذن، داخل در عنوان غصب است هر چند با قهر و زور همراه نباشد. امام

بر مبنای قاعده «حرمان منافع موجب ضمان است» شکل گرفته است.

۳. مسئولیت مدنی اخذ بالسوم در فقه مالکی

فقه‌های مالکی اخذ بالسوم را به عنوان یکی از انواع (اخذ مال غیر بغیر حق) می‌شناسند. یعنی گرفتن مال دیگری بدون حق شرعی. مالک بن انس در «الموطاء» بر اهمیت رضایت در معاملات تأکید می‌ورزد و بدون تحقق رضایت، هرگونه تصرف را باطل و موجب ضمان می‌داند (Malik ibn, 1994).

مذهب مالکی نیز مانند مذهب حنفی، اخذ بالسوم را امین می‌داند و مسئولیت او را مشروط به تعدی و تفریط می‌داند. یعنی اخذ بالسوم در صورتی مسئول جبران خسارت است که در نگهداری مال کوتاهی یا تجاوز به حدود اذن مالک کرده باشد. اگر مال بدون تقصیر او تلف شود، مسئولیتی متوجه او نیست. با این حال، در موارد خاص، برخی فقها و حقوقدانان مالکی ممکن است مسئولیت گسترده‌تری برای اخذ بالسوم قائل شوند و ید او را ضمانی بدانند.

مبنای ضمان در اخذ بالسوم

قاعده «الید علی المال تضمن»

در فقه مالکی، قاعده «الید علی المال تضمن» (دست بر مال موجب ضمان است) پایه‌گذار مسئولیت مدنی در موارد اخذ بدون اذن است. فقه‌های این مذهب معتقدند که هر کس بدون رضایت مالک، مالی را در اختیار بگیرد، ولو اینکه سوءنیتی نداشته باشد، ضامن آن مال است (Al-Qurtubi, 1953).

قاعده اتلاف و تسبیب

در فقه مالکی، هر تلف یا آسیبی که بر مال غیر وارد شود و ناشی از فعل غیرمجاز باشد، موجب ضمان است، خواه مباشر باشد یا سبب. اگر اخذ بالسوم موجب اتلاف یا کاهش ارزش مال گردد، اخذکننده ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

تفاوت اخذ بالسوم با غصب در فقه مالکی

آن بهره‌های نبرده باشد. این نظر برگرفته از دیدگاه سختگیرانه نسبت به مالکیت و حقوق مالکان است (Nawawi).

تأثیر علم و جهل در ضمان

در فقه شافعی، جهل به حکم یا موضوع، مانع از تحقق ضمان نمیشود. یعنی اگر کسی مالی را بالسوم و بدون اذن گرفته باشد، حتی اگر گمان کرده مالک راضی است یا از حرمت آن آگاه نبوده، باز هم ضامن است. تنها در موارد خاص مانند وجود اذن عرفی یا ظهور امانی بودن، احتمال رفع ضمان مطرح است (Shahram, 2014).

۵. مسئولیت مدنی اخذ بالسوم در فقه حنبلی

فقه حنبلی با نگاه سختگیرانه‌ای نسبت به حرمت تصرف در مال غیر بدون اذن برخورد میکند و اخذ بالسوم را از مصادیق بارز تملک یا تصرف غیرقانونی و موجب ضمان میداند. مبانی این مسئولیت مدنی بر قواعدی چون ضمان ید، قاعده اتلاف، و لزوم احترام به مال مسلمان استوار است.

مبنای ضمان در اخذ بالسوم

قاعده «الید تضمّن»

یکی از مهمترین قواعد مسئولیت در فقه حنبلی قاعده «الید تضمّن» است. یعنی هر دستی که بر مالی قرار گیرد، ضامن آن است تا زمانی که به صاحبش برگردد. این قاعده شامل اخذ بالسوم نیز میشود (Al-Bahuti, 1993).

قاعده اتلاف

در صورتی که اخذکننده بالسوم موجب تلف یا نقصان مال گردد، ضامن جبران کامل خسارت است. حنبلیان تفاوتی بین مباشر یا سبب قائل نیستند؛ بلکه اصل را در تحقق ضرر و تعدی میدانند (Al-Muradi).

اخذ بالسوم و غصب

در فقه حنبلی، اخذ بالسوم تفاوت ظاهری با غصب دارد؛ زیرا ممکن است بدون قهر باشد، اما از حیث اثر فقهی، هر دو موجب

شافعی در (الأم) به صراحت بیان میدارد: «کل من اخذ مال غیره بغیره اذنه فهو غاصب و ان لم یکن عنوه» (الشافعی، ص. ۲۱۶). بر این اساس، اخذ بالسوم نیز در حکم غصب تلقی می‌شود و موجب ضمان خواهد بود.

شافعی‌ها بیشتر به سمت ضمانی بودن ید اخذ بالسوم گرایش دارند و معتقدند که اخذ بالسوم مسئول حفظ مال است و باید آن را سالم برگرداند یا قیمت آن را بپردازد، حتی اگر تلف بدون تعدی و تفریط باشد. این دیدگاه بر قاعده «علی الید ما اخذت حتی تودیّه» استوار است که به معنای مسئولیت کسی است که مالی را به دست گرفته تا آن را سالم بازگرداند یا بپردازد.

مبنای ضمان در اخذ بالسوم

قاعده ضمان ید

فقه‌های شافعی معتقدند که صرف دستیابی به مال غیر، بدون اذن مالک، موجب ضمان است. این دیدگاه مبتنی بر قاعده «الید علی المال تضمّن» یعنی هر یدی که بر مال قرار گیرد، ضامن است حتی اگر تصرف بدون قصد عدوان باشد.

قاعده اتلاف

از نظر شافعیان، اگر مال تلف شود یا ناقص گردد، اخذکننده بالسوم مسئول جبران خسارت است. این قاعده شامل اتلاف مستقیم و نیز هرگونه نقصان در مال میشود، حتی اگر تصرف کننده به ظاهر نیت نیکی داشته باشد.

تفاوت اخذ بالسوم با غصب

در فقه شافعی، تفاوت بین اخذ بالسوم و غصب بیشتر در ظاهر امر است تا در اثر فقهی. هر دو رفتار، موجب ضمان کامل هستند. آنچه موجب تحقق ضمان میشود، فقدان رضایت مالک و استیلا بر مال غیر است، نه لزوماً وجود قهر و زور (Ibn Qudamah, 1984).

ضمان منافع

فقه‌های شافعی تصریح دارند که شخص اخذکننده، نه تنها نسبت به عین مال بلکه نسبت به منافع فوتشده نیز ضامن است، حتی اگر از

قاعده «الید تضمّن»

فقه حنفی قاعده «الید تضمّن ما أخذت» را از اصول اساسی در ضمان میدانند. بر اساس این قاعده، هر دستی که بدون اذن مشروع بر مال غیر قرار گیرد، ضامن آن است تا مال به صاحبش بازگردد یا خسارت آن جبران گردد (Al-Kasani, 1985).

قاعده اتلاف و تسبیب

در صورتی که مال تلف شود یا خسارتی به آن وارد آید، اخذکننده بالسوم، ضامن تمام زیان وارده است، چه مباشر تلف باشد و چه سبب آن. فقهای حنفی، مسئولیت را بر پایه وقوع ضرر و عدم مشروعیت تصرف بنا کرده‌اند (Al Marghinani).

تمایز اخذ بالسوم از غصب

اگرچه اخذ بالسوم ممکن است با قهر همراه نباشد، اما در فقه حنفی از نظر ضمان، تفاوتی با غصب ندارد. ملاک تحقق ضمان، عدم رضایت مالک و تصرف غیرمجاز است نه وجود قهر (Al-Sarakhsi, 1985).

ضمان منافع

فقهای حنفی تصریح دارند که اخذکننده بالسوم نه تنها ضامن عین مال، بلکه ضامن منافع فوتشده نیز هست، حتی اگر از آن منافع بهره نبرده باشد. ملاک ضمان، تفویت منافع مشروع مالک است (Al-Kasani, 1985).

مثل یا قیمت در ضمان

در صورت تلف عین مال، فقهای حنفی قائل به تفکیک بین اموال مثلی و قیمی هستند. در اموال مثلی، مثل و در اموال قیمی، قیمت در روز تلف پرداخت میشود. این قاعده در همه ابواب ضمانات جاری است (Al Marghinani).

در نتیجه فقه حنفی، اخذ بالسوم را از مصادیق تصرف غیرمشروع دانسته و بر اساس قواعد «ضمان ید» و «اتلاف»، آن را موجب مسئولیت مدنی کامل میدانند. این مسئولیت شامل عین، منافع، و در

ضمان کامل هستند. ابن قدامه مینویسد: «من أخذ مال غیره بغیر إذن فهو غاصب ضامن» (Ibn Qudamah, 1984).

ضمان منافع

در فقه حنبلی، اگر اخذ بالسوم موجب محرومیت مالک از منافع مال شود، اخذکننده، حتی اگر از آن منافع استفاده نکرده باشد، ضامن منافع فوتشده نیز هست. ملاک ضمان، تفویت منفعت است نه استفاده واقعی (Al-Bahuti, 1993).

نوع ضمان: مثل یا قیمت

اگر مال اخذشده تلف شود، در اموال مثلی، اخذکننده ملزم به مثل و در اموال قیمی، مکلف به پرداخت قیمت در روز تلف خواهد بود. این اصل از قواعد ثابت ضمان در فقه حنبلی است (Al-Muradi).

در نتیجه فقه حنبلی با استناد به قواعدی چون ضمان ید و قاعده اتلاف، اخذ بالسوم را رفتاری غیرمجاز دانسته و مسئولیت مدنی آن را قطعی میدانند. این مسئولیت شامل ضمان عین، منافع، و در صورت تلف، پرداخت مثل یا قیمت مال است. علم یا جهل به موضوع، تأثیری در رفع این مسئولیت ندارد.

۶. مسئولیت مدنی اخذ بالسوم در فقه حنفی

فقه حنفی با تأکید ویژه بر مالکیت مشروع و حرمت تصرف در مال غیر بدون رضایت، اخذ بالسوم را از مصادیق تملک یا استفاده از مال غیر بدون اذن دانسته و آن را موجب ضمان می‌شمارد. در این مذهب، اصولی مانند ضمان ید، قاعده اتلاف، و منع اکل مال به باطل، پایه‌های مسئولیت مدنی را تشکیل میدهند.

اخذ بالسوم در فقه حنفی، با عنوان «أخذ مال الغير بغیر إذن» مطرح شده و هرگونه تصرف در مال غیر، بدون اجازه مالک، حتی اگر بدون قهر باشد، موجب ضمان دانسته شده است. ابوحنیفه تصریح میکند که «من استولى على مال غيره بغیر إذن، فهو ضامن» (Al-Sarakhsi, 1985).

مبنای ضمان در اخذ بالسوم

صورت تلف، پرداخت مثل یا قیمت مال است. جهل و حسن نیت در این خصوص بیتأثیر است.

۷. مبانی حقوقی اخذ بالسوم در ایران

اخذ بالسوم در حقوق ایران مفهومی است که در راستای حمایت از بدهکاران در زمان دشواریهای مالی طراحی شده است. این مفهوم در ابتدا در حقوق اسلامی و سپس در حقوق ایران گنجانده شد و در مواد مختلف قانون مدنی ایران تأسیس گردید. در طول تاریخ، اخذ بالسوم بهعنوان یک راهحل برای جلوگیری از بحرانهای اقتصادی و فشارهای مالی استفاده شده است.

در قانون مدنی ایران، اخذ بالسوم در ماده ۲۵۵ و ۲۵۶ مدنظر قرار گرفته است، که بر اساس آنها، در صورتی که بدهکار به دلیل مشکلات غیرقابل پیشبینی نتواند دیون خود را پرداخت کند، میتواند درخواست تأخیر در پرداخت بدهی را از دادگاه بخواهد.

مفهوم اخذ بالسوم در حقوق ایران

اخذ بالسوم در حقوق ایران بهطور کلی به معنای درخواست تأخیر در پرداخت دیون است. این درخواست میتواند توسط بدهکار به دادگاه ارائه شود و در صورتی که شرایط قانونی لازم فراهم باشد، دادگاه میتواند تصمیم به پذیرش درخواست بدهد. بهطور معمول، اخذ بالسوم زمانی امکانپذیر است که بدهکار قادر به پرداخت دیون خود در موعد مقرر نباشد و درخواست تأخیر یا تقسیط بدهی داشته باشد (Shahram, 2014).

۸. آثار اخذ بالسوم بر روابط حقوقی طرفین

اخذ بالسوم میتواند آثار زیادی بر روابط حقوقی طرفین داشته باشد. نخستین اثر آن، تغییر در شرایط قرارداد و تعهدات طرفین است. این تغییرات میتواند شامل تغییرات در زمانبندی پرداختها، کاهش مبلغ قسطهای پرداختی، یا توافقات جدیدی باشد که بین طرفین برقرار میشود. از طرف دیگر، اخذ بالسوم میتواند منجر به کاهش فشارهای مالی بر بدهکاران و جلوگیری از اقدامات اجرائی نظیر توقیف اموال گردد. با این حال، در برخی موارد، ممکن است این

فرآیند برای طلبکاران موانعی ایجاد کند، بهویژه زمانی که تأخیر در پرداخت دیون بهطور مستمر ادامه یابد (Sadri, 2011).

۹. مقایسه اخذ بالسوم در حقوق ایران و سایر نظامهای حقوقی

در حقوق ایران، اخذ بالسوم مشابه به برخی سیستمهای حقوقی غربی مانند حقوق فرانسه و آلمان است. با این حال، تفاوتهایی نیز وجود دارد. در فرانسه، اخذ بالسوم بهعنوان ابزاری برای جلوگیری از بحرانهای مالی و حمایت از بدهکاران مورد استفاده قرار میگیرد، اما در ایران، این فرآیند بیشتر بهعنوان یک راهحل برای جلوگیری از ورشکستگی بدهکاران در نظر گرفته میشود. در نظام حقوقی ایران، اخذ بالسوم تنها تحت شرایط خاصی ممکن است و معمولاً از طریق مراجع قضائی مورد بررسی قرار میگیرد. در حالی که در کشورهای دیگر ممکن است این فرآیند کمتر به مراجع قضائی نیاز داشته باشد و از طریق توافقات خصوصی میان طرفین انجام شود (Bayat, 2012).

۱۰. دیدگاههای مسئولیت مدنی آخذ بالسوم در فقه و حقوق

ایران

در حقوق ایران، ضمان ناشی از اخذ بالسوم بر پایه ضمان ید بنا شده است. قاعده فقهی «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» که توسط فقهای امامیه مورد استناد قرار گرفته، مبنای مواد قانونی مربوط به غصب قرار گرفته است مطابق این قاعده، هرکس مالی را بدون مجوز شرعی یا قانونی اخذ کند، ضامن آن خواهد بود. در نتیجه، متصرف بالسوم مکلف به جبران کلیه خسارات وارده به مال، حتی در صورت تلف قهری، خواهد بود (Najafi, 1983).

ید امانی (مسئولیت محدود به تعدی و تفریط)

برخی فقها و حقوقدانان معتقدند که ید آخذ بالسوم امانی است؛ یعنی آخذ بالسوم اذن تصرف در مال دارد و مسئول تلف یا نقص کالا نیست مگر در صورت تعدی (تجاوز از حدود اذن) یا تفریط (سهل انگاری). به عبارت دیگر، آخذ بالسوم مانند امان است و فقط در صورت سوء رفتار مسئول جبران خسارت می شود.

دیدگاه دکتر کاتوزیان: ایشان معتقدند ید آخذ بالسوم نه امانی است و نه ضمانی، بلکه تعهد او تعهد به نتیجه است. یعنی اگر خسارتی وارد شود، مسئول است مگر اینکه قوه قاهره را ثابت کند. این دیدگاه با ید امانی که تعهد به وسیله است و با ید ضمانی که قوه قاهره قابل اثبات نیست، تفاوت دارد بر این اساس، آخذ بالسوم مسئول است مگر اینکه قوه قاهره (فورس ماژور) را ثابت کند. اذن مالک در تصرف مال توسط آخذ بالسوم به تنهایی موجب امانی شدن ید نمی‌شود و آخذ بالسوم مسئولیت عینی دارد.

آخذ بالسوم تعهد به نتیجه دارد؛ یعنی یا باید کالا را سالم بازگرداند یا ثمن آن را بپردازد. در صورت تلف یا نقصان کالا، آخذ بالسوم مسئول است مگر اینکه بتواند قوه قاهره را اثبات کند. قانون مدنی ایران در ماده ۶۳۱ مصادیق امانت را محدود کرده و آخذ بالسوم را به عنوان امان نپذیرفته است. بهتر است قانونگذار مسئولیت آخذ بالسوم را به طور صریح تعیین کند تا اختلاف نظرها رفع شود بنابراین، ید آخذ بالسوم به طور کلی ضمانی تلقی می‌شود و مسئولیت او در حفظ مال جدی است، اما با توجه به تعهد به نتیجه، امکان اثبات قوه قاهره برای رفع مسئولیت وجود دارد (Katouzian, 1998).

۱۱. مبانی مسئولیت کیفری آخذ بالسوم در تلف عمدی

در صورت تلف عمدی مال توسط آخذ بالسوم، رفتار او ممکن است مشمول جرم خیانت در امانت شود. همچنین ممکن است این رفتار مصداقی از جرم تخریب موضوع مواد ۶۷۵ به بعد قانون مجازات اسلامی باشد از منظر کیفری، تلف عمدی مآخوذ بالسوم توسط آخذ بالسوم، به دلیل نقض تعهد و سوء استفاده از امانت، قابل تعقیب کیفری بوده و می‌تواند تحت عنوان خیانت در امانت یا تخریب مورد رسیدگی قرار گیرد.

استدلال این گروه بر این است که قاعده «علی الید ما اخذت حتی تودیه» که ضمان را بر کسی که چیزی را به دست گرفته جاری می‌کند، در این مورد به وضوح جاری نیست و اصل بر براءت است. همچنین مالک به آخذ بالسوم اذن داده است و فرض بر عدم تعدی است.

با این حال، این دیدگاه مورد نقد قرار گرفته است، زیرا ماده ۶۳۱ قانون مدنی مصادیق امان را حصری دانسته و آخذ بالسوم در قانون به عنوان امان شناخته نشده است.

ید ضمانی (مسئولیت عینی و مطلق)

دیدگاه دوم که مشهورتر است، معتقد است ید آخذ بالسوم ضمانی است؛ یعنی او مسئول تلف یا نقص کالا حتی بدون تعدی یا تفریط است و باید خسارت را جبران کند.

این دیدگاه بر اساس قاعده «علی الید ما اخذت حتی تودیه» استوار است و آخذ بالسوم را مشمول ضمان می‌داند.

این گروه معتقدند که اذن مالک در تصرف، مسئولیت آخذ بالسوم را رفع نمی‌کند، زیرا اذن مشروط به بازگرداندن سالم کالا یا پرداخت قیمت است و آخذ بالسوم تعهد به نتیجه دارد.

به علاوه، ماده ۳۰۱ قانون مدنی تصریح می‌کند که کسی که مالی را بدون استحقاق دریافت کند باید آن را به مالک تسلیم کند و آخذ بالسوم مشمول این ماده است.

همچنین، حقوقدانان معتقدند که چون آخذ بالسوم تعهد به نتیجه دارد (یا باید کالا را سالم بازگرداند یا قیمت آن را بپردازد)، مسئولیت او ضمانی و عینی است و نمی‌تواند به سادگی قوه قاهره را به عنوان عذر موجه برای عدم مسئولیت خود مطرح کند. (Davoudabadi).

در مجموع، این دیدگاه بر این پایه است که آخذ بالسوم با وجود اذن در تصرف، تعهد به نتیجه دارد و مسئولیت او ضمانی و مطلق است و اذن مالک مانع مسئولیت او نمی‌شود.

دیدگاه میانه (تعهد به نتیجه)

مدنی) است که با وضعیت آخذ بالسوم تفاوت دارد. بنابراین، آخذ بالسوم نه غاصب است و نه در حکم غاصب محسوب می‌شود.

شرایط مسئولیت کیفری

برای تحقق مسئولیت کیفری، باید عمد در تلف مال ثابت شود. در این صورت علاوه بر الزام به جبران خسارت، آخذ بالسوم ممکن است به مجازات‌هایی مانند جزای نقدی یا حبس محکوم شود (Shabani Kaldareh, 2021). در حقوق کیفری، جرم تخریب و اتلاف اموال عمدی است و نیازمند وجود قصد عام (اراده و اختیار انجام عمل) و قصد خاص (قصد رسیدن به نتیجه مجرمانه) است. اگر تلف مال بدون اراده و عمد باشد، مسئولیت کیفری ندارد و تنها مسئولیت مدنی برای جبران خسارت مطرح می‌شود.

مستثنیات

اگر آخذ بالسوم ثابت کند که تلف مال ناشی از حادثه غیرقابل پیش‌بینی یا قوه قاهره بوده است، مسئولیت کیفری او منتفی می‌شود (Shabani Kaldareh, 2021).

نتیجه‌گیری

هدف از مقاله حاضر بررسی مسئولیت مدنی آخذ بالسوم در فقه مذاهب خمس و حقوق ایران می‌باشد. مسئولیت آخذ بالسوم یکی از موضوعات اساسی و پیچیده در فقه اسلامی و حقوق ایران است که نقش مهمی در حفظ حقوق مالک و تعادل روابط قراردادی دارد. این موضوع از دیرباز مورد توجه فقها و حقوقدانان بوده و اختلاف نظرهای گسترده‌ای درباره ماهیت ید و دامنه مسئولیت آخذ بالسوم وجود دارد که ریشه در تفاوت‌های فقهی، حقوقی و فلسفه مسئولیت دارد. دیدگاه ید امانی، که در مذاهب حنفی و مالکی بیشتر رایج است، آخذ بالسوم را فردی می‌داند که مال را با اذن مالک در اختیار دارد و مسئولیت او تنها در موارد تعدی و تفریط است. این دیدگاه بر اصل برائت و احترام به اذن مالک تأکید دارد و در واقع نوعی حمایت از آخذ بالسوم به شمار می‌رود. اما

ماده ۶۳۱ قانون مدنی مصادیق امین را حصری دانسته و آخذ بالسوم در قانون به عنوان امین شناخته نشده است، بنابراین مسئولیت کیفری او در صورت تلف عمدی، قابل اثبات است.

همچنین، اذن مالک به تصرف، مسئولیت کیفری آخذ بالسوم را رفع نمی‌کند، زیرا این اذن مشروط به بازگرداندن سالم کالا یا پرداخت قیمت است و آخذ بالسوم تعهد به نتیجه دارد. در نتیجه، در صورت تلف عمدی مآخوذ بالسوم توسط آخذ بالسوم، مسئولیت کیفری وی تحت عناوین جرم خیانت در امانت یا تخریب موضوع قانون مجازات اسلامی قابل پیگیری است. این مسئولیت فراتر از مسئولیت مدنی بوده و ناشی از سوء نیت و عمد در تلف مال است (Shabani Kaldareh, 2021).

۱۲. آخذ بالسوم و غصب

مطابق ماده ۳۰۸ قانون مدنی، غصب عبارت است از استیلا به حق غیر به نحو عدوان که شرط اساسی آن عدم اذن است. از آنجا که آخذ بالسوم با اذن مالک مال را در اختیار می‌گیرد، تصرف او عدوانی نیست و غصب محسوب نمی‌شود. همچنین اذن او مستمر است و سبب قانونی برای تصرف وجود دارد، بنابراین نمی‌توان او را مصداق «در حکم غاصب» دانست (امامی، ۱۳۷۵، ص. ۴۲۳).

به عبارت دیگر، برای اینکه تصرفی در حکم غصب باشد، باید دو شرط وجود داشته باشد: اول اینکه شروع تصرف بدون اذن مالک باشد (عدوانی باشد) و دوم اینکه سبب قانونی یا شرعی برای ادامه تصرف وجود نداشته باشد. در آخذ بالسوم، شرط اول یعنی اذن اولیه تصرف وجود دارد و این اذن مستمر است، یعنی آخذ بالسوم اجازه دارد همچنان در مال تصرف کند تا معامله انجام شود یا کالا بازگردانده شود. بنابراین، هیچ سبب قانونی برای منتفی شدن اذن وجود ندارد و تصرف او مشروع است.

نمونه‌هایی از «در حکم غصب» شامل مواردی مانند قبض به واسطه عقد فاسد، مطالبه مالک و امتناع امین در امانت (ماده ۶۳۱ قانون

در حقوق ایران، هرچند قانون مدنی به طور صریح آخذ بالسوم را به عنوان امین معرفی نکرده و ماده ۶۳۱ قانون مدنی مصادیق امین را محدود کرده است، اما با توجه به اصول کلی مسئولیت مدنی و قاعده ضمان، مسئولیت ضمانی آخذ بالسوم پذیرفته شده است. این امر نشان‌دهنده گرایش حقوق ایران به حمایت از مالک و تأکید بر جبران خسارت است، اما در عین حال امکان اثبات قوه قاهره به عنوان شرط معافیت، تعادل مناسبی بین حقوق مالک و آخذ بالسوم برقرار می‌سازد.

مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر مانند ایالات متحده و فرانسه نیز نشان می‌دهد که در این کشورها آخذ بالسوم معمولاً به عنوان امین شناخته می‌شود و مسئولیت او محدود به مواردی است که تقصیر مشتری اثبات شود. این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های فلسفی، ساختاری و اجتماعی در نظام‌های حقوقی است که می‌تواند زمینه‌ساز بررسی‌های تطبیقی و اصلاحات قانونی در ایران باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The concept of *Akhidh bi'l-Sawm*, referring to an individual who temporarily takes possession of goods for the purpose of inspection with the intent of possible purchase, occupies a critical intersection of contractual interpretation and liability in both Islamic jurisprudence and Iranian law. This institution, while seemingly straightforward in practice, conceals within it complex questions about the nature of possession, the conditions under which liability arises, and the contours of civil and even criminal responsibility. Islamic legal schools offer divergent theories on whether the possessor bears liability when

این رویکرد ممکن است در مواردی که تلف مال بدون تقصیر آخذ بالسوم رخ داده، حقوق مالک را به خطر اندازد و از جبران خسارت وی جلوگیری کند.

در مقابل، دیدگاه ید ضمانی، که در فقه امامیه، شافعی، حنبلی و بسیاری از نظریه‌های حقوقی ایران پذیرفته شده، مسئولیت گسترده‌تری برای آخذ بالسوم قائل است. بر اساس قاعده «علی الید ما اخذت حتی تودیّه»، آخذ بالسوم موظف است مال را سالم برگرداند یا در صورت تلف، حتی بدون تقصیر، خسارت را جبران کند. این رویکرد ضمن حمایت کامل از مالک، عامل بازدارنده‌ای در برابر سهل‌انگاری و بی‌توجهی آخذ بالسوم محسوب می‌شود و به حفظ نظم و انصاف در روابط حقوقی کمک می‌کند.

نظریه تعهد به نتیجه، که توسط دکتر کاتوزیان مطرح شده، میان دو دیدگاه فوق قرار دارد و مسئولیت آخذ بالسوم را به عنوان تعهدی به نتیجه می‌داند. این نظریه ضمن حفظ حقوق مالک، امکان معافیت آخذ بالسوم را در صورت اثبات قوه قاهره فراهم می‌آورد و بدین ترتیب انعطاف لازم را در مواجهه با شرایط غیرقابل پیش‌بینی و قهری ایجاد می‌کند. این دیدگاه می‌تواند به عنوان راه‌حلی میانه و منطقی برای رفع تعارضات فقهی و حقوقی مطرح شود.

the item is damaged or lost without fault. In Shi'a Imamiyyah jurisprudence, two opposing interpretations have been documented: one asserts that the possession is trust-based (*yad amaniyyah*), thereby limiting liability to instances of misconduct or negligence, while another school of thought contends that the possession is inherently liability-based (*yad damaniyyah*), obligating the possessor to compensation irrespective of fault. This latter view rests heavily on the jurisprudential principle '*ala al-yad ma akhadat hatta tu'addih*', which affirms that any hand that receives property is bound to return it or compensate for it. This bifurcation has deep implications, with the former offering a more

lenient interpretation favorable to trade and the latter safeguarding owners' rights even in the face of unavoidable loss (Ghasemzadeh & Khosravi Farsani, 2006). Moreover, the interpretive spectrum across Sunni schools—such as Maliki, Shafi'i, Hanbali, and Hanafi—reveals a continuum from strict liability resembling the legal consequences of usurpation, to more flexible standards that consider fault and intent, thus reflecting varied jurisprudential philosophies on property rights and contractual fidelity (Jafari Langeroudi, 2016; Khansari, 1984; Shahid Thani, 1989).

In examining each of the major Sunni schools, the Maliki perspective closely associates *Akhidh bi'l-Sawm* with unauthorized possession, applying absolute liability grounded in the lack of contractual authority. This position echoes the broader Maliki preference for safeguarding proprietary interests through expansive interpretations of liability, even when the possessor lacks malicious intent. As articulated by scholars like Malik ibn Anas, any form of unapproved use or delay in returning the good triggers liability (Malik ibn, 1994). Similarly, the Shafi'i school classifies the act under the umbrella of *ghasb* (usurpation), thus imposing full liability for both the item and its potential benefits—irrespective of whether they were exploited. This strict interpretation aligns with Shafi'i emphasis on preserving transactional integrity and the sanctity of private ownership (Nawawi; Shahram, 2014). The Hanbali approach, like that of the Shafi'is, holds the possessor responsible even when the transaction is consensual and temporary, emphasizing that any deprivation of use or risk to the good engages legal responsibility. By contrast, Hanafi jurists offer a nuanced yet similarly stringent framework: not only does the possessor owe restitution for damages, but also for lost profits or benefits, regardless of intent or fault. This reveals a jurisprudential

strategy aimed at preventing moral hazard by ensuring the possessor is economically incentivized to maintain the item in perfect condition (Al-Bahuti, 1993; Al-Kasani, 1985; Al-Sarakhsi, 1985).

Iranian law, while inspired in part by Islamic jurisprudence, has charted its own course in delineating the responsibility of the *Akhidh bi'l-Sawm*. The Civil Code of Iran does not classify such a possessor as a *trustee* (*amin*), thus excluding the individual from protections typically extended to depositaries or bailees under Article 631. Instead, the law mandates either the safe return of the item or its full value in case of loss or damage, effectively situating liability somewhere between the extremes of full immunity and absolute accountability (Jafari Langeroudi, 2024). Notably, the dominant scholarly opinion—particularly within the Iranian legal academy—leans toward the *yad damaniyyah* interpretation, citing both the precedent of Article 301 and the broader jurisprudential consensus on the principle of strict liability where property is taken without formal transfer of ownership (Davoudabadi; Najafi, 1983). However, this interpretation is not without challenge. Scholars like Katouzian have proposed a middle-ground approach that frames the possessor's obligation as a *result-based duty* (*ta'ahhud be natijeh*), rather than a fault-based or absolute responsibility. This view allows for the exclusion of liability in the presence of force majeure (*quwwah qahirah*), thus accommodating commercial exigencies and the unpredictability of market interactions (Katouzian, 1998).

One of the most intricate dimensions of *Akhidh bi'l-Sawm* liability arises when distinguishing between civil and criminal consequences. While civil liability hinges on restitution and compensation for damaged or lost goods, criminal liability emerges if the possessor deliberately destroys or misuses the item. Such conduct may qualify as *breach of*

trust or even *destruction of property* under Iran's Islamic Penal Code, particularly Articles 675 onward, which address criminal acts involving willful harm to property. In this context, criminal liability does not evaporate merely because the initial possession was consensual; rather, the act of intentional destruction transforms the legal character of the possession, rendering the possessor liable not only for compensatory damages but also for potential penal sanctions (Shabani Kaldareh, 2021). Iranian courts are thus empowered to interpret *Akhidh bi'l-Sawm* as criminal misappropriation when bad faith or malicious intent is proven, while preserving the right of the injured party to seek civil redress. Moreover, the burden of proving *force majeure* falls upon the possessor, and only irrefutable evidence of an external and uncontrollable event absolves the possessor from liability. This dual structure of accountability underscores the Iranian legal system's commitment to protecting ownership rights while allowing narrow escape routes for unforeseen contingencies.

The question of whether *Akhidh bi'l-Sawm* constitutes *ghasb* (usurpation) under Islamic or Iranian law is another area of doctrinal complexity. While some schools—including Shafi'i and Hanbali—extend the definition of *ghasb* to cover this type of possession, the Iranian Civil Code adopts a more restrictive stance. According to Article 308, *ghasb* requires both an absence of consent and a degree of coercion or wrongful intent, neither of which necessarily applies to *Akhidh bi'l-Sawm*. As long as the possessor initially receives the item with the owner's permission and retains it under that framework, the condition of unlawful seizure is not met. This interpretation preserves the legal distinction between a consensual transactional relationship and outright misappropriation, thus ensuring that liabilities are proportionate to the nature of the breach. Nevertheless, this

differentiation becomes tenuous when the possessor refuses to return the item or fails to compensate for its loss, at which point the status may shift toward that of a *quasi-usurper*, thereby exposing the individual to heightened legal consequences (Emami, 1996). In synthesizing these diverse perspectives, it becomes evident that the liability of the *Akhidh bi'l-Sawm* cannot be confined to a singular doctrinal category. Rather, it traverses the boundaries of civil, commercial, and criminal law, evolving with jurisprudential interpretations and legislative reforms. The tension between *yad amaniyyah* and *yad damaniyyah* models illustrates not only theoretical divergences but also competing priorities in legal policy—balancing commercial flexibility with the need to protect ownership rights. While Iranian jurisprudence increasingly embraces a strict liability regime, voices advocating for result-based frameworks highlight the practical benefits of legal elasticity. As comparative legal analysis with systems such as France and Germany shows, broader recognition of possessory interests and fault-based liability can facilitate economic transactions without undermining proprietary protections (Bayat, 2012). Future codifications in Iran might benefit from clearer delineations in statutory language, thereby reducing judicial ambiguity and aligning domestic law with evolving commercial practices.

Ultimately, the study of *Akhidh bi'l-Sawm* and the legal responsibilities it entails reveals the complex interplay between consent, possession, and risk in Islamic and Iranian legal systems. It speaks to enduring questions about how societies allocate responsibility in contractual relationships, how they define ownership and misuse, and how they reconcile competing claims of equity and efficiency. The debate over whether liability should hinge on fault, result, or mere possession encapsulates deeper philosophical differences in legal

thought. Addressing these questions is essential not only for resolving individual disputes but also for shaping the broader normative frameworks through which commerce, trust, and justice are mediated in Islamic and Iranian law.

Interdisciplinary Research in Islamic Humanities, Jurisprudence, Law, and Psychology, Tehran.

Shahid Thani, M. i. A. B. a. U. (1989). *Al-Durr al-Manthur fi Tafsir bil-Ma'thur* (Vol. 3).

Shahram. (2014). Study of Akhdh bil-Sawm in Iranian Law (General Reference).

References

- Al-Bahuti, M. i. Y. i. I. (1993). *Kashaf al-Qina' 'an Matn al-Iqna'* (Vol. 4). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Al-Kasani, A. a. D. (1985). *Bada'i al-Sana'i fi Tartib al-Shara'i* (Vol. 7). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Al-Muradi, A. i. A. *Al-Insaf fi Ma'rifat al-Rajih min al-Khilaf* (Vol. 6). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Qurtubi, M. i. A. (1953). *Al-Jami' li-Ahkam al-Quran* (Vol. 4).
- Al-Sarakhsi, M. i. A. (1985). *Al-Mabsut* (Vol. 12). Dar al-Ma'arif.
- Al Marghinani. *Al-Hidayah* (Vol. 4).
- Bayat. (2012). Comparative Study of Akhdh bil-Sawm in Iranian Law and Western Legal SystemsER.
- Davoudabadi, M. Explanation of Article 301 of Civil Law. In.
- Emami, S. H. (1996). *Civil Law* (Vol. 1). Islamieh Publications.
- Ghasemzadeh, S. M., & Khosravi Farsani, A. (2006). Civil Liability of Akhdh bil-Sawm in Jurisprudence and Civil Law. *Legal Perspectives Quarterly*(40), 59-72.
- Ibn Qudamah, a. M. (1984). *Al-Sharh al-Kabir* (Vol. 5).
- Imam Khomeini, S. R. (1987). *Sahifeh Imam* (Vol. 2).
- Jafari Langeroudi, M. J. (2016). *Legal Terminology* (Vol. 1). SAMT Publications.
- Jafari Langeroudi, M. J. (2024). Liability of Akhdh bil-Sawm in Imamiyyah Jurisprudence, Civil Law, and Iranian Legal Theories. *Ensani Research Website*, 27-40.
- Katouzian, N. (1998). *Civil Law: Specific Contracts* (Vol. 1). Mizan Publications.
- Khansari, S. M. H. (1984). *Jami' al-Madarik fi Sharh Sharayi' al-Islam* (Vol. 4). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Malik ibn, A. (1994). *Al-Muwatta'*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Najafi, S. M. H. N. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam* (Vol. 37). Publications of the Society of Teachers of Qom, Dar Ihya al-Turath al-Arabi (Beirut), and Islamieh Publications (Tehran).
- Nawawi, Y. i. S. *Al-Sharh al-Nawawi 'ala Sahih Muslim* (Vol. 5).
- Sadri. (2011). Liability of Akhdh bil-Sawm in Imamiyyah Jurisprudence, Civil Law, and Iranian Legal Theories. *Legal Quarterly*, 27-40.
- Shabani Kaldareh, A. (2021). Criminal Liability of Akhdh bil-Sawm for Intentional Destruction of Akhdh bil-Sawm. 4th International Congress on